

اسماعیل نساجی زواره

بازتاب انوار قرآنی در سیره و سخنان امام رضا علیه السلام

درآمد

همام علیه السلام می‌توان به توجه و عنایت گسترده آن حضرت به آیات و حیانی قرآن در تمام زوایای زندگی خود پی برد. آن حضرت همانند پدران بزرگوارش آن چنان قرآن را با زندگی روزمره خود عجین کرده بود که کم‌تر روایتی را می‌توان از آن بزرگوار به دست آورد که در آن اثر، اشاره، شاهد و یا تفسیری از قرآن نباشد؛ به طوری که تمام سخنان، پاسخ‌ها و مثال‌های آن حضرت علیه السلام برگرفته از قرآن بود. به مناسبت سالروز باسعادت آن

(۴۸۲۲)

۱. اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۲۸۶.
۲. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، شیخ مفید، ص ۳۰۴.

امام هشتم شیعیان حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام روز یازدهم ذی‌قعدة سال ۱۴۸ هـ ق در مدینه دیده به جهان گشود^(۱).

دوران امامت آن حضرت علیه السلام ۲۰ سال بود که با ۳ تن از حکمرانان مستبد عباسی یعنی هارون (ده سال)، امین (پنج سال) و مأمون (پنج سال) معاصر بود. امام رضا علیه السلام در آخر ماه صفر سال ۲۰۳ هـ ق در سن ۵۵ سالگی توسط مأمون مسموم شد و در سناباد نوقان که امروزه یکی از محلات مشهد مقدس محسوب می‌شود به شهادت رسید و در محل مرقد فعلی به خاک سپرده شد^(۲). با اندکی مطالعه در سیره آن امام

بیان اوصاف قرآن

از امام رضا علیه السلام درباره اوصاف قرآن سخنان گهرباری به یادگار مانده است که هر خواننده را به فکر و اندیشه در این کتاب وا می‌دارد. آن حضرت علیه السلام قرآن کریم را کتاب هدایت‌گر، سرچشمه حیات و مایه عزت دانسته می‌فرماید:

«قرآن ریسمان محکم الهی و دستگیره محکم و راهی نمونه و بی‌بدیل است که به بهشت منتهی می‌شود و انسان را از آتش نجات می‌دهد. در طول زمان کهنه نمی‌شود و ارزش و اعتبار خود را از دست نمی‌دهد؛ زیرا برای یک عصر قرار داده نشده است، بلکه راهنما و پرهان و حجت برای هر انسان است. باطل و نادرستی در آن راه نمی‌یابد، نه از پیش رو و نه از پشت سر. این کتاب، نازل شده از طرف خدای حکیم و ستوده

پیشوای بزرگ جامعه در ماه ذیقعده، در این فرصت به سراغ رهنمودهای ایشان در زمینه آیات و حیاتی کلام خدا می‌رویم تا بازتاب انوار درخشان الهی را در سیره و گفتار آن حضرت علیه السلام به نظاره بنشینیم.

انس با قرآن

در سیره هشتمین ستاره فروزان آسمان امامت و ولایت، انس با قرآن به وضوح دیده می‌شود. آن بزرگوار علیه السلام هر سه روز یک بار تمام قرآن را تلاوت می‌کرد و می‌فرمود:

«اگر خواسته باشم که در کم‌تر از سه روز قرآن را ختم کنم، می‌توانم، ولی هرگز هیچ آیه‌ای را نمی‌خوانم مگر اینکه در معنای آن می‌اندیشم و در وقت نزول آن فکر می‌کنم؛ از این رو هر سه روز یک بار قرآن را تلاوت می‌کنم و گرنه کم‌تر از سه روز همه آن را تلاوت می‌کردم»^(۱).

۱. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۶۰.

است»^(۱).

خشوع دل

تلاوت قرآن اگر همراه با معرفت و سپندپذیری باشد، آیات آن، دل را می لرزاند و پرتوی بر قلب قاری می افکند و اگر غیر از این باشد، نشان بی توجهی قلب به عظمت این کتاب است.

در سیره علی بن موسی الرضا^(ع) آمده است که شب‌ها هنگام خوابیدن، در بستر خویش زیاد قرآن می خواند و چون به آیه‌ای می رسید که در آن یادی از بهشت یا جهنم شده است، می گریست و از خداوند بهشت می طلبید و از دوزخ به خداوند پناه می برد^(۲). این بود نمونه‌ای از ادب باطنی پیشوای هشتم^(ع) هنگام تلاوت قرآن.

توجه به کیفیت خواندن قرآن

امام رضا^(ع) در عین این که قرآن

امام^(ع) فرمود: آری! «ذکر» رسول خداست و ما اهل بیت^(ع) اهل آن حضرت^(ع) هستیم؛ بنابراین ما اهل ذکر هستیم

را زیاد تلاوت می کرد، در آیات قرآن تدبیر زیادی داشت و قرآن با دل و جانش هم‌نوا و عجین شده بود. در آداب تلاوت قرآن آمده است که وقتی قرآن می خوانید، چون به آیاتی که با «یا ایها الذین آمنوا...» شروع می شود رسیدید، بگوئید: «لَبَّيْكَ» تا ندای خدا و فراخوانی قرآن را پاسخ داده باشید. این لبیک گوئی زبانی در تلاوت می تواند زمینه ساز لبیک گوئی عملی در طول زندگی به رهنمودهای قرآن کریم باشد. در سیره آن حضرت^(ع) آمده است وقتی به آیه «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» می رسید، در

۱. بحار الأنوار، مجلسی، ج ۱۷، ص ۲۱۰.

۲. عبون اخبار الرضا، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۱۹۶.

دعوت کردند و گفتند: دین ما بهتر از دین اسلام است؛ آیا چنین کاری بر ما جایز است؟

هنگامی که آنان ساکت شدند و پاسخی برای امام رضا علیه السلام نیافتند، مأمون گفت: ای اباالحسن! آیا ممکن است این سخن را توضیح داده و تفسیر آیه را روشن تر بیان کنید؟ امام علیه السلام فرمود: آری! «ذکر» رسول خداست و ما اهل بیت علیهم السلام اهل آن حضرت صلی الله علیه و آله هستیم؛ بنابراین ما اهل ذکر هستیم^(۳).

شریک در عبادت، هرگز

«حسن بن وشاء» می گوید:

روزی به محضر حضرت رضا علیه السلام شرف یاب شدم. دیدم در مقابل آن حضرت علیه السلام ظرف آبی است و می خواهد وضو بگیرد و برای نماز آماده شود. جلو رفته و خواستم آب بر روی

دل می گفت: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى و چون آیات «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...» را تلاوت می کرد، آهسته می گفت: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ»^(۱).

بیان فضیلت اهل بیت علیهم السلام

مأمون جلساتی را با حضور امام رضا علیه السلام و بسیاری از دانشمندان اهل سنت و برجستگان سایر ادیان برگزار می کرد. در یکی از آن جلسات، سخن از فضیلت اهل بیت علیهم السلام به میان آمد. آنان از امام رضا علیه السلام درخواست کردند که برای این نکته دلیل قرآنی بیاورد. آن حضرت علیه السلام این آیه را تلاوت کرد: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^(۲)؛ اگر نمی دانید، از اهل ذکر سؤال کنید؛ سپس فرمود: منظور از اهل ذکر ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله هستیم.

برخی از حضار مجلس گفتند: مقصود از اهل ذکر یهود و نصارا هستند! امام علیه السلام فرمود: پناه بر خدا! اگر ما پرسیدیم و آن ها هم به دین خودشان

۱. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۳۴.

۲. انبیاء، ۷.

۳. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۸۷.

دستان مبارکش بریزم. فرمود: صبر کن حسن! عرض کردم چرا اجازه نمی دهید آب بر دست شما بریزم؟ آیا مایل نیستید من به ثوابی برسیم؟ فرمود: تو ثواب می بری ولی من گناه می کنم! پرسیدم چرا؟ فرمود: مگر این آیه قرآن را نشنیده ای که می فرماید: «فَقَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»^(۱)؛ پس هرکس به لقای پروردگارش امید دارد، باید عمل صالح انجام دهد و در عبادت خدای خود کسی را شریک نکند. من اکنون می خواهم وضو بگیرم و نماز اقامه کنم. این خود عبادتی است و من مایل نیستم کسی در عبادتم شریک شود^(۲).

راه شناخت خداوند

در زیارت جامعه کبیره آمده است که خداوند را جز از طریق امامان علیهم السلام نمی توان شناخت. در فرازی از این زیارت آمده است: «السَّلَامُ عَلٰی مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللّٰهِ»^(۳)؛ «سلام بر شما

امامان که محل های شناخت خداوند هستید».

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که: «خداوند از طریق ما شناخته می شود و از طریق ما عبادت می شود»^(۴). بنابراین، این یک واقعیت است که معرفت خداوند از کانال اهل بیت علیهم السلام امکان پذیر است.

یکی از یاران نزدیک حضرت رضامند علیه السلام به نام «صفوان بن یحیی» می گوید: ابو قره محدث از من خواست که از امام رضا علیه السلام اجازه بگیرم تا به محضر آن حضرت علیه السلام شرف یاب شود. او از حضرت علیه السلام سؤالاتی پیرامون حلال و حرام و احکام پرسید تا این که سخن به «توحید» رسید. او گفت: برای ما چنین روایت شده که خداوند دیدن خود را به محمد صلی الله علیه و آله عطا کرد و سخن گفتن با خود

۱. کشف، ۱۱۰.

۲. اصول کافی، ج ۳، ص ۶۹.

۳. کلیات مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ص ۱۱۷۴.

۴. التوحید، شیخ صدوق، ص ۱۵۲.

یکی از مسائلی که مورد اتفاق همه فرق اسلامی است، اولویت «تفسیر روایی» بر دیگر انواع تفسیر است و می توان گفت رتبه ای بعد از «تفسیر قرآن به قرآن» دارد. تفسیر روایی تنها منحصر به غیر معصومین نیست، بلکه در موارد بسیاری، خود امامان معصوم علیهم السلام قرآن کریم را به واسطه روایات امامان قبل از خود یا روایات پیامبر تفسیر می کردند. حضرت امام رضا علیه السلام به منظور تکریم و تعظیم نام و یاد پدران و جد بزرگوار خود؛ نشان دادن مقام علمی آن بزرگواران و نشان دادن بهره مندی همه اهل بیت علیهم السلام از یک منبع علمی، در تفسیر قرآن از روایات استفاده می کرد. آن حضرت علیه السلام می فرمود: حضرت علی علیه السلام در تفسیر آیه «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» فرمود: مقصود لا اِلاَّ اَنَا اللَّهُ و مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللَّهِ

را به حضرت موسی علیه السلام آموخت. امام رضا علیه السلام فرمود: پس چه کسی از جانب خداوند برای جن و انس پیام آورد که: «لَا تُذْرِكُهُ الْاَبْصَارُ وَ هُوَ يُذْرِكُ الْاَبْصَارَ... وَ لَا يُحِيطُوْنَ بِهٖ عِلْمًا... وَ لَيْسَ كَمِثْلِهٖ شَيْءٌ...»^(۱) آیا او محمد صلی الله علیه و آله نبود؟ گفت: آری! فرمود: چگونه می شود که مردی به مردم بگوید که من از جانب خدا

آمده ام و آنها را به سوی او بخواند و منطقتش آیات سه گانه فوق باشد سپس بگوید: من او را دیدم و احاطه علمی به او پیدا کردم و او به صورت بشر است!؟ آیا حیا نمی کنید^(۲).

«پیامبر از قول خداوند چنین می فرماید که هر کس کلام مرا تفسیر به رأی کند، به من ایمان ندارد».

علمی به او پیدا کردم و او به صورت بشر است!؟ آیا حیا نمی کنید^(۲).

۱. سوره های انعام، ۱۰۳ - طه، ۱۱۰ - شوری، ۱۱.
۲. تفسیر نورالثقلین، علی بن جمعه الحویزی، ج ۵، ص ۱۵۷.

و علی ولی الله است^(۱).

صراطِ مُستقیم^(۳)؛ هرکس متشابهات
قرآن را به محکّمات برگرداند، به راه راست
هدایت شده است.

ارجاع متشابهات به محکّمات

یکی از راه‌های صحیح تفسیر
قرآن کریم استفاده از آیات محکم برای
فهم آیات متشابه است؛ چنان که خود
قرآن آیاتش را به دو قسم تقسیم نموده
است: یکی محکّمات که آن‌ها اصل و
مادر آیات هستند و دیگری متشابهات
«مِنْهُ آيَاتٌ مُّحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ
مُتَشَابِهَاتٌ»^(۲).

نکوهش تفسیر به رأی

روش صحیح تفسیر قرآن آن
است که بر اساس فهم لغات قرآن و
روایات و گفتار معصومین باشد و در غیر
این صورت تفسیر باطل است که از آن به
«تفسیر به رأی» تعبیر می‌شود.

تفسیر به رأی این است که انسان
پیش داوری‌های خود را اساس کار قرار
دهد و آیات متشابه را بر اساس آن
تفسیر کند و نظریات خود را بر قرآن
تحمیل کند. تفسیر به رأی یکی از
روش‌های مردود در فهم قرآن کریم به
شمار می‌رود و پیروی از آن خطراتی را
برای مفسّر به دنبال دارد.

زمان پیدایش روش تفسیر به رأی

مفهوم أمّ‌الکتاب و اصل بودن،
مرجعیت محکّمات برای روشن ساختن
متشابهات است. این اصل از یک طرف
به ما می‌فهماند که اولاً: قرآن با قرآن
قابل تفسیر است و ثانیاً: به نوعی
استقلال فهم قرآن را برای ما بیان می‌کند
که اگر جایی از قرآن (مانند متشابهات)
برای انسان قابل فهم نبود، در جای دیگر
باید به سراغ آن رفت.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ رَدَّ
مُتَشَابِهَةَ الْقُرْآنِ إِلَىٰ مُحْكَمِهِ هَدِيَ إِلَىٰ

۱. همان، ج ۴، ص ۱۸۳.

۲. آل عمران، ۷.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۳۷۷.

به رأی کند، به من ایمان ندارد».

باز در مورد نکوهش این نوع تفسیر، آن امام بزرگوار علیه السلام به «علی بن جهم» فرمود: «إِتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُنْسِبِ إِلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ الْفَوَاحِشَ وَلَا تَتَأَوَّلْ كِتَابَ اللَّهِ بِرَأْيِكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بِقَوْلٍ: وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ...»^(۳)

«از خدا بترس و نسبت های ناروا به اولیاء خدا مده و کتاب خدا را طبق رأی خودت تفسیر مکن؛ زیرا خداوند می فرماید: تأویل آیات قرآن را فقط خدا و راسخان در علم می دانند».

از این عبارت امام رضا علیه السلام استنباط می شود که تفسیر به رأی یک نوع تأویل است و تأویل پر دو گونه است: یکی تأویل صحیح که ویژه راسخان در علم است و دیگری تأویل باطل که همان تفسیر به رأی است.

روشن نیست، اما برخی از روایات در مورد مذمت این روش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است؛ از ظاهر اینگونه احادیث می توان استفاده کرد که روش تفسیر به رأی از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله شروع شده و آن حضرت صلی الله علیه و آله کسانی را که از این روش استفاده کرده اند، سخت مذمت نموده است.

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان امامت ائمه اطهار علیهم السلام این مسأله مطرح بوده است به همین جهت تعدادی از روایات در مورد مذمت تفسیر به رأی از آنان نقل گردیده و حتی حکایت شده که امام علی علیه السلام برخی افراد را مخاطب قرار داده و از تفسیر به رأی نهی کرده است^(۱).

امام رضا علیه السلام در مورد مذمت و نکوهش تفسیر به رأی از قول پیامبر صلی الله علیه و آله به نقل از سخن خداوند چنین می فرماید: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: مَا آمَنَ بِي مَنْ فَسَّرَ بِرَأْيِهِ كَلَامِي...»^(۲)؛ «پیامبر از قول خداوند چنین می فرماید که هرکس کلام مرا تفسیر

۱. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی،

ج ۱، ص ۴۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۱۰۷.

۳. همان، ص ۱۰۸.